

زنان: فقر مضاعف

دکتر افسانه کمالی*

اگر چه مطالعات در باب فقر در جامعه انسانی، خصوصاً در ابعاد اقتصادی و اجتماعی، اندک نیست، اما موضوع شناخت فقر و تفکیک و بررسی ابعاد فقر در آن ها چندان فراوان نیست. یکی از مهم ترین ویژگی های مغفول در میان این نوع مطالعات، جنسیت و شناخت تأثیر آن در تعمیق و شدت فقر است. این مطالعه ضمن بررسی تعاریف و شاخص های متعارف، با استفاده از تفکیک خانوارهای کشور به تفکیک جنسیت سرپرست خانوار و بررسی ویژگی های کلی و بعد و ترکیب اعضای خانوارهای کشور، از متغیرهای وضع تأهله، وضع اشتغال، وضع سواد، وضعیت مسکن و نیز هزینه و درآمد آن ها مسئله فقر و ابعاد آن را واکاوی کرده است.

اگر چه فقدان اطلاعات دقیق و یا محدودیت آن ها امکان بررسی کامل مسئله را پیدید

<۸

* جامعه‌شناس و عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء kamali@yahoo.com

نمی آورد، با این حال شواهد حاکی از «زنانه شدن فقر» و بالاتر رفتن سطح آن در میان خانوارهای است که سرپرست آن ها زنان هستند. هر چند که این مفهوم برای به تصویر کشیدن فقر زنان بسند نیست.

کلیدواژه‌ها: ایران، زنان، فقر

مقدمه

بررسی مسئله فقر از جهات و ابعاد گوناگونی میسر است. اقتصاددانان به عوامل مؤثر بر فقر و حدود و دامنة آن و جام عهشناسان به تأثیرات فقر در بروز آسیب‌های دیگر اجتماعی – فرهنگی تأکید داشته‌اند. با این حال، شناسایی و تفکیک میان فقرا و بررسی ابعاد فقر در میان گروه‌های مختلف اقتصادی – اجتماعی کم تر مورد توجه واقع شده است. یکی از بارزترین ویژگی‌های مغفول در بررسی دامنة فقر، مسئله جنسیت و تأثیر آن در تعمیق و شدت فقر است. پدیده «فقر زنانه» از جمله مباحث جدید و کم تر مورد عنایت در مسئله فقر محسوب می‌شود. این مقاله درصد است که:

(الف) به شاخص‌های مطرح در سنجش فقر و شناخت ویژگی‌های فقرا توجه کند؛

- ب) نشان دهد که جنسیت مهم ترین عامل در شناخت ویژگی‌های فقر ا در کشور محسوب می‌شود و فقری مضاعف را بر زنان تحمیل می‌کند؛
- ج) به صورتی مقایسه ای با مردان، ابعاد فقر زنان را ارائه کند.

۱) تعاریف و شاخص‌ها

از نظرگاه فلسفی، فقر و محرومیت زمانی حادث می‌شود که زمان احساس نیاز مقدم بر زمان ارضای نیاز باشد. لذا، با عنایت به مجموعه باز و بینهایت نیازهای انسان، جامعه انسانی همیشه فقیر و محروم باقی خواهد ماند (عظیمی، ۱۳۷۴: ۱۹۷). با این حال، فارغ از مباحث فلسفی، فقر به محرومیت یا فقدان ضروریات اولیه زندگی نیز قابل ارجاع است. در بررسی‌های مرسوم از فقر و حدود و دامنه آن، معمولاً گرایشی به استفاده از مفهوم «خانوار» وجود دارد. همان‌طور که نگارنده پیش‌تر نشان داده است (شادی‌طلب و کمالی : ۱۳۷۹) این گرایش دو نوع ابهام می‌آفریند:

- الف) سبب می‌شود که گروه‌ها و افراد درون خانوار کم‌تر مورد توجه واقع شوند و نیز سهم آنان به یکسان و به صورت سرانه تلقی شود؛
- ب) همین سنجش نیز معمولاً بر مبنای اطلاعات آماری موجود برای «سرپرست خانوار» مورد بررسی

واقع شود که خصوصاً در مورد زنان با کاستی و تعابیری دور از واقع همراه است. منزلت فروتر زنان در خانواده و تفسیر جهان اجتماعی بر مبنای خصایل مردانه از روشن شدن ویژگی‌ها و اقتضائات خاص زنان جلوگیری می‌کند. به این ترتیب شناخت مسائل زنان از دریچه خاص مردان، تصویری دور از واقعیات آنان را در بر دارد. برای مثال نمی‌توان ابعاد درد و رنج زنی را دریافت که بر اثر زندانی شدن، معلولیت و یا بی‌مسئولیتی خانواده خود را در فقر و تنگ دستی رها کرده است؛ زیرا در این موارد بنا به اقتضائات فرهنگی، همچنان مردان سرپرست خانوار محسوب می‌شوند. به رغم این اختلاط مفهومی و روشن نبودن مرزهای دقیق خانوارهای فقیر زنان، ضرورت استفاده از آمارهای موجود، تن دادن به این مفهوم را الزامي می‌سازد.

در بررسی مسئله فقر به ویژگی‌های متعددی برای شناخت فقرا اشاره شده است: وضعیت مسکن، اشتغال یا بی‌کاری سرپرست خانوار، فقدان عضو شاغل، وضعیت تأهل و بعد کوچک خانوار، بی‌سوادی و فقدان عضو باسواند، اشتغال در بخش های ساختمان، کشاورزی، اشتغال در مشاغل حقوق بگیر و ... از جمله این ویژگی‌های است. با این حال، در برخی از مطالعات نشان داده شده است که خصوصاً در دهه های

اخير افزایش فقر در بین خانوارهای زن سرپرست، یکی از عوامل افزایش نابرابری توزیع درآمد در میان خانوارها محسوب می شود (پروین، 1372؛ جعفری، ص میمی: 1371). سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز نشان داده است که احتمال ابتلا به فقر در خانوارهای زن سرپرست، در مناطق شهری 35 و در مناطق روستایی 65 درصد است (1379: 42).

لذا، با توجه به این مسئله، تا آن جا که اطلاعات محدود و اندک موجود امکان آن را فراهم می آورد، ابعاد فقر بر حسب بعد و ترکیب اعضاي خانوار، وضعیت تأهل، وضع اشتغال، وضع سواد، وضع مسکن و وضع درآمد و هزینه خانوار با عنایت به تفکیک جنسیتی پژوهش و بررسی خواهد شد.

2) بررسی ویژگی های خانوارهای کشور به تفکیک جنسیت سرپرست خانوار

1-2) ویژگی های کلی خانوارهای کشور
نتایج آخرین سرشماری در 1375 نشان داده است که از مجموع 12/349/003 خانوار ایرانی، 1/035/067 خانوار (8/40 درصد) تحت سرپرستی زنان بوده است. اگرچه از آن زمان تاکنون اطلاع دقیقی از تعداد خانوارهای کشور وجود ندارد، اما نتایج

آمارگیری‌های نمونه‌ای مختلف، نشان داده است که سهم نسبی خانوارهای زن سرپرست از 8/41 به 8/73 رسیده که نشانگر افزایشی 3/93 درصدی است. البته این افزایش معطوف به افزایش سهم نسبی زنان شهری سرپرست خانوار بوده است (6/77 درصد)؛ حال آن که در همین دوره سهم نسبی زنان روستایی سرپرست خانوار کاوه شی معادل 11/79 درصد داشته است. نتایج حاصل در جدول 1 (مرکز آمار ایران، 1376؛ 1382-1376) همچنین نشان می‌دهد که سهم نسبی خانوارهای مرد سرپرست طی این دوره با کاهش مواجه بوده که عمدتاً معطوف به خانوارهای روستایی است. این مسئله در عین حال موجب کاهش سهم نسبی خانوارهای زن سرپرست در مناطق روستایی از 9/29 درصد در 1375 به 8/85 درصد در 1382 شده است و در مقابل افزایش سهم نسبی زنان سرپرست خانوار در مناطق روستایی از 8/30 به 8/64 در همین مدت مشابه است. این موضوع عوایض و آثار متعددی دارد که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

جدول 1: توزیع نسبی سرپرستان خانوار بر حسب جنس و منطقه، طی سال‌های 1375-1382

زن			مرد			سال
روستایی	شهری	کل	روستایی	شهری	کل	
36/48	63/52	8/40	35/60	64/40	91/60	1375
41/54	58/46	7/38	39/76	60/24	92/62	1376
41/42	58/58	8/00	40/23	59/77	92/00	1377
43/27	56/73	8/17	41/91	58/09	91/83	1378
40/46	59/54	8/19	40/87	59/13	91/81	1379
41/46	58/54	8/64	40/78	59/22	91/36	1380
41/74	58/26	8/80	41/32	58/68	91/20	1381
32/18	67/82	8/73	31/41	68/59	91/27	1382
-11/79	6/77	3/93	-11/77	6/51	-0/36	میزان افزایش 75-82

2-2) بعد و ترکیب اعضای خانوارهای کشور

آمارهای کشور نشان می‌دهد که میانگین بعد خانوارهای مرد سرپرست از 4/99 (در سال 1376) به 4/39 و در خانوارهای زن سرپرست از 2/83 به 2/57 رسیده است. اگرچه این فرآیند را میتوان ناشی از برنامه‌های جمیعتی دولت و تغییر نگرش‌های اجتماعی در تعداد فرزندان مطلوب قلمداد کرد، با این حال توجه به سهم نسبی خانوارهای تک نفره نشان میدهد که کاهش بعد خانوار و در عین حال تمایز شدید آن

در میان خانوارهای مرد سرپرست و زن سرپرست را نمیتوان ناشی از تغییر الگوی جمعیتی قلمداد کرد. در حالی که سهم نسبی خانوارهای مرد سرپرست در سال 1376 تنها ۱/۵۴ درصد کل این نوع خانوارها بوده و در نهایت در سال ۱۳۸۲ به ۲/۳۳ رسیده، سهم مشابه برای خانوارهای زن سرپرست از ۳۵/۱۸ به ۳۸/۸۱ ارتقا یافته است. با توجه به ارقام جدول ۲ (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶-۱۳۸۲) اگرچه خانوارهای تک نفره به طور کلی در دوره فوق افزایش یافته‌اند، اما این افزایش برای زنان بیشتر بوده و نهایتاً در پایان دوره شکاف ۳۳/۶۴ درصدی سهم این نوع خانوارها را به ۳۶/۴۸ درصد رسانده است. (۵۷/۵۶) درصد در ۱۳۷۵ و ۸۵/۳۴ درصد در سال ۱۳۸۱ (۱۳۸۱). همچنین چنان‌چه صرفاً خانوارهای «خودسرپرست»، «سرپرست و فرزندان» و «سرپرست، فرزندان و سایرین» که از نوع خانوارهای معمول محسوب نمی‌شوند مورد توجه واقع شود، در حالی که سهم مورد نظر برای مردان از ۲/۷۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱/۷۸ درصد در سال ۱۳۸۱ رسیده، ارقام مشابه برای زنان ۶۱/۸ و ۸۶/۱۵ درصد بوده است. این به آن معناست که حداقل به صورتی اولیه سهم نسبی خانوارهای آسیب‌پذیر در میان مردان بسیار اندک و در میان زنان اکثریتی قاطع است.

جدول 2: میانگین بعد خانوار و سهم نسبی خانوارهای تکنفره بر حسب جنس سرپرست خانوار در سالهای 1376-1382

سال	میانگین خانوار تکنفره	مرد میانگین خانوار تکنفره	زن میانگین خانوار تکنفره	سال
1376	4/99	1/54	2/83	35/18
1377	4/80	1/83	2/73	37/65
1378	4/70	1/92	2/67	39/04
1379	4/64	2/01	2/68	38/36
1380	4/58	2/01	2/72	37/04
1381	4/56	1/83	2/68	37/58
1382	4/39	2/33	2/57	38/81

کوچک بودن بعد خانوار و سهم نسبی خانوارهای تکنفره به تعبیر حسین عظیمی (223: 1374) و به اذعان سازمان مدیریت و برنامه ریزی (41: 1379) یکی از ویژگی‌های اصلی خانوارهای فقیر است. بررسی نسبی بعد خانوار و ارتباط آن با فقر، حاکی از آن است که خانوارهای یکنفره و دونفره روستایی به ترتیب با احتمال 90 و 60 درصد و خانوارهای مشابه شهری 60 و 25 درصد در معرض فقر قرار دارند. باید توجه داشت که خانوارهای یکنفره عمدها خانوارهایی هستند که سرپرست مسن و یا بسیار جوان دارند که گروه اول به دلیل عدم برخورداری از مزایای یک نظام جامع تأمین

اجتماعی و گروه دوم به دلیل قرار گرفتن در ابتدای منحنی درآمد – سن با احتمال بیشتری در معرف فقر قرار می‌گیرند.

از این لحاظ، ترکیب اعضاي خانوارها نيز ميتواند مهم تلقی شود. نتایج بررسی ترکیب اعضاي خانوار در جدول 3 (مرکز آمار ايران، 1381) نشان ميدهد در حالی که بخش عمده خانوا رهای مرد سرپرست از «سرپرست، همسر و فرزندان» تشکيل می‌شود (73/94 درصد در سال 1375 و 75/83 درصد در سال 1381)، خانوارهای تک نفرة «خود سرپرست» و خانواده‌های متشكل از «سرپرست و فرزندان» در میان زنان سهم اصلی و بیشتر را دارند.

جدول 3: توزیع نسبی خانوارهای کشور بر حسب جنس سرپرست و ترکیب اعضاي خانوار

زن		مرد		ترکیب
81	75	81	75	
32/25	9/74	1/18	1/76	سرپرست
0/33	0/60	9/44	9/74	سرپرست و همسر
0/0	4/03	75/83	73/94	سرپرست، همسر و فرزندان
0/0	0/34	9/59	5/79	سرپرست، همسر و سایرین
53/09	47/82	0/54	0/84	سرپرست و فرزندان

0/81	4/24	0/06	0/17	سرپرست، فرزندان و سایرین
13/5	23/77	3/36	7/72	سایر

3-2) ترکیب خانوارهای کشور بر حسب وضع تأهل

مطالعه حسین عظیمی (1374: 221) در باب اطلاعات حاصل از نتایج سرشماری سال 1365 نشان داده که زنان بدون همسر خصوصاً در سنین بالاتر از 40 و بالاتر از 60 سال در مقایسه با مردان هم وضعیت و مشابه، در فقر شدیدتری به سر می برند. به علاوه در برنامه مبارزه با فقر، سازمان مدیریت نشان داده که زنان مطلقه یا رهاشده، خصوصاً در مناطق روستایی، با احتمال بیش تری در معرض فقر شدید قرار می گیرند (42: 1379). اطلاعات موجود درباره جمعیت 15 ساله و بالاتر کشور در دو مقطع 1375 و 1381، نشان می دهد که سهم نسبی مردان بدون همسر بر اثر فوت، طلاق و یا هرگز ازدواج نکرده 15 ساله و بالاتر کشور، در فاصله سال های 1375 تا 1381 از 3/78 به 2/74 درصد کاهش یافته؛ در حالی که چنانکه جدول 4 (مرکز آمار ایران، 1381) نشان می دهد، در همین دوره سهم مشابه برای زنان از 78/05 به 88/92 درصد افزایش یافته است. به این ترتیب اختلاف نسبی و شکاف میان زنان و مردان از 74/27 به 86/18 درصد افزایش یافته است که به

خودی خود به معنای آسیب پذیری بیشتر زنان بدون همسر محسوب می‌شود.

جدول 4: توزیع جمعیت 15 ساله و بالاتر کشور بر حسب جنس و وضع تأهل در سال‌های 1381-1375

زن		مرد		وضعیت
1381	1375	1381	1375	
11/07	21/57	97/26	96/11	دارای همسر
81/43	70/48	1/07	1/45	بدون همسر بر اثر فوت
4/72	4/05	0/56	0/25	بدون همسر بر اثر طلاق
2/77	3/52	1/11	2/08	هرگز ازدواج نکرده
0/0	0/36	0/0	0/96	اظهار نشده

4-2) توزیع خانوارهای کشور بر حسب وضع اشتغال

وضع اشتغال از جهات متعددی می‌تواند بر فقر و ابعاد آن تأثیرگذار باشد. یکی از اصلی‌ترین وجوده آن مسئله بیکاری سپرست خانوار است. بیکاری به منزله قطع درآمدهای معمول خانوار و در غلظیدن در دایرة فقر به دلیل فقدان تأمینات اجتماعی و بیمه‌های بیکاری است. جدول 5 (مرکز آمار ایران، 1382-1376) نشان می‌دهد که به رغم بالاتر بودن میزان بیکاری در میان مردان سپرست خانوار در

6/42 در مقابل 5/91 درصد)، با کاهش بیشتر میزان بیکاری مردان سرپرست خانوار نسبت به زنان در 1382، این دو میزان در حدود یکدیگر قرار گرفته‌اند (3/73 درصد برای مردان در مقابل 3/59 درصد برای زنان). این در حالی است که شادی‌طلب و کمالی (350_351: 1379) نشان داده‌اند که آمارهای موجود در باب بیکاری زنان سرپرست خانوار بسنده و کافی نیست.

جدول 5: توزیع سرپرست خانوارهای کشور بر حسب وضع فعالیت و اشتغال در سال‌های 1382_1376

زن				مرد				سال
دارای درآمد بدون کار	بیکار	شاغل	فعال	دارای درآمد بدون کار	بیکار	شاغل	فعال	
37/16	5/91	12/13	12/89	8/93	6/42	81/19	87/54	1376
30/53	4/50	13/78	14/43	9/27	5/44	82/41	87/16	1377
28/93	4/57	13/31	13/95	9/68	5/88	81/73	86/84	1378
29/30	4/65	13/50	14/17	10/04	5/94	81/47	86/62	1379
28/93	5/57	13/50	14/30	10/98	5/79	80/73	85/69	1380
21/83	4/96	11/51	12/11	11/81	4/67	81/04	85/01	1381
20/87	3/59	10/77	11/17	12/40	3/73	81/55	84/71	1382

این موضوع با مقایسه میزان اشتغال و سهم نسبی افراد دارای درآمد بدون کار در میان زنان و مردان سرپرست خانوار، به صورتی دقیق تر روشن می‌شود. با توجه به ارقام بسیار پایین میزان اشتغال زنان در مقایسه با ارقام مشابه برای مردان، در صورتی می‌توان میزان های بی‌کاری را کافی و دقیق تلقی کرد که سهم نسبی افراد دارای درآمد بدون کار محسوب شوند. . مجموع شاغلان و افراد دارای درآمد بدون کار در میان زنان از 49/29 درصد در سال 1376 به 31/64 درصد در سال 1382 کا هش یافته است. این در حالی است که ارقام مشابه برای مردان به ترتیب 90/12 و 93/95 درصد به معنای افزایش خانوارهای صاحب درآمد است (جدول 5). البته این موضوع به خودی خود به مفهوم سهم بسیار بیشتر خانوارهای بدون درآمد در میان زنان و در عین حال نادرستی ارقام مربوط به بیکاری در میان زنان سرپرست خانوار، حداقل در سال‌های تحت بررسی، است.

در عین حال باید توجه داشت همان‌طور که برنامه مبارزه با فقر (1379: 42) اذعان دارد تراکم خانوارهایی که سرپرستان آن‌ها دارای درآمد بدون کار هستند، با توجه به ماهیت این گروه که شامل مستمری‌بگیران، بازنشستگان و افراد تحت پوشش سازمان‌ها و نهادهای حمایتی هستند، در دهک اول

بسیار زیاد است. از این رو نمیتوان داشتن درآمد بدون کار و سهم نسبی بیش تر آن در میان زنان سرپرست خانوار را به معنای وضعیت بهتر درآمد در میان آنان قلمداد کرد.

در عین حال این سؤال وجود دارد که چنان‌چه در سال 1382 کمتر از یک سوم خانوارهای زن سرپرست دارای سرپرست شاغل و یا دارای درآمد بدون کار بوده‌اند، آیا فرد دیگری در این دسته از خانوار، وجود داشته است که به واسطه اشتغال خود خانوار را تأمین مالی کند؟ نتایج حاصل در جدول 6 (مرکز آمار ایران، 1381؛ 1380_1381) نشان می‌دهد که سهم نسبی خانوارهای بدون فرد شاغل در میان مردان از 10/93 درصد در 1375 به 9/79 درصد در 1381 و ارقام مشابه در مورد زنان از 63/69 درصد به 51/79 درصد رسیده است. در مجموع اگرچه میزان کاهش سهم نسبی خانوارهای زن سرپرست بدون فرد شاغل، در مقایسه با خانوارهای با سرپرست مرد بسیار بیش تر بوده، اما به سبب سهم نسبی بسیار بالاتر این دسته از خانوارها در میان زنان، شکاف موجود همچنان به صورت جدی باقی است. به نظر پروین (1372: 121) نسبت بالای خانوارهای بدون فرد شاغل قطعاً مهم‌ترین عامل فقر درخانوارهای کم‌درآمد است. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (42_43: 1379) نیز نشان داده است که حدود 37 درصد از خانوارهای

فقیر در دهک اول، هیچ فرد شاغلی در خانواده ندارند و به علاوه در صورت افزایش تعداد افراد شاغل در خانوارها احتمال ابتلا به فقر بسیار کاوش می‌یابد. از این لحاظ خانوارهای زن سرپرست بدون عضو شاغل از آسیب پذیرترین خانوارها و فقیرترین آن‌ها محسوب می‌شوند.

جدول 6- توزیع نسبی خانوارهای کشور بر حسب جنس سرپرست خانوار و سهم خانوارهای بدون فرد شاغل

سن	مرد	سال
63/69	10/93	1375
53/60	9/35	1380
51/79	9/79	1381

و بالاخره تا آن جا که اطلاعات موجود امکان بررسی را فراهم می‌کند، یکی دیگر از مسائل مهم در موضوع اشتغال وضع شغلی سرپرستان خانوار است. نتایج حاصل در جدول 7 (مرکز آمار ایران، 1382-1376) نشان می‌دهد که حداقل به صورتی اولیه شاغلان کارفرما و کارکنان مستقل که وضعیت درآمدی بهتری دارند در میان زنان سرپرست خانوار بسیار کمتر از مردان مشابه است. سهم نسبی این گروه در میان زنان از 52/37 درصد در 1376 به 44/72 درصد در 1382 و سهم مشابه برابر مردان از 48/92 به 50/08 درصد در فاصله همان سال رسانیده است. به

عبارة دیگر افزون بر پایین بودن ارقام مربوط به زنان میزان کاهش این سهم در میان زنان سرپرست خانوار (7/65 درصد) بسیار بیشتر از میزان مشابه برای مردان (1/16 درصد) بوده است.

از سوی دیگر، به زعم عظيمي (1374: 209) ثبات نسبی حقوق مزدگیران و حقوق بگیران در مقایسه با نرخ تورم سال های اخیر باعث شده است که بخش عظيمي از آن ها در زمرة جمعيت آسيب پذير و دچار فقر و محروميت قرار بگيرند . لذا، چنان چه صرف نظر از سهم نسبی کارفرمایان و کارکنان مستقل، سهم مزدگیران و حقوق بگیران را در میان زنان و مردان سرپرستان خانوار بررسی کني ه، روشن می شود که درصد مردان اين گروه، از 49/79 در 1376 به 51/04 در 1382 (1/25 درصد افزایش) رسیده و ارقام مشابه برای زنان نيز از 46/86 به 54/99 (8/13) درصد افزایش) رسیده است . جدائی از سهم بيش تر زنان مزد و حقوق بگیر سرپرست خانوار در مقایسه با مردان، میزان اي ن افزایش نيز برای زنان بیشتر از مردان بوده است . اين موضوع نيز میتواند به عنوان شاخصي برای سنجش و مقایسه وضعیت فقر در میان زنان و مردان سرپرستان خانوار محسوب شود .

جدول 7: توزيع نسبی خانوارهای کشور بر حسب جنس و وضع شغلی سرپرستان خانوار

زن			مرد			سال
مzd و حقوق بگیر	کارکنان مستقل	کارفرمای	مzd و حقوق بگیر	کارکنان مستقل	کارفرمای	
46/86	/50			/98		137
45/79	49			44		6
49/25	/14			/10		137
45/75	48			44		7
50/00	/78	2/87	49/79	/85	5/10	137
48/02	44	4/63	49/25	44	6/49	8
54/99	4/87	47/98		7/03		137
	/22	4/46	48/70	/74	7/42	9
	49	4/43	48/97	43	7/02	138
	/67	4/23	48/35	/90	7/87	0
	44	4/94	51/04	43	7/76	138
	/30			/68		
	47			43		1
	/78			/16		138
	39			40		2

5-2) ترکیب خانوارهای کشور بر حسب وضع سواد

فقدان سواد یا تحصیلات اندک یکی از ویژگی های خانوارهای فقیر است. مطالعات نشان داده است که

حدود ۱/۵ میلیون خانوار، قادر عضو باسواند هستند و این نسبت در خانواده های فقیر بسیار گستردگ است (پروین، ۱۳۷۲: ۱۲۳). با این حال این مسئله در مورد رؤسای خانوار اهمیت بیشتری دارد. برنامه مبارزه با فقر اذعان دارد که حدود ۵۵ درصد سرپرستان بیسواند هستند. (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۷۹: ۴۲). چنانچه این متغیر را به تفکیک جنس رؤسای خانوارهای کشور بررسی کنیم، همچنان که جدول ۸ (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۱) نشان میدهد، روشن می شود که به رغم افزایش میزان باسواندی در میان سرپرستان مرد خانوارهای کشور، در فاصله سال های ۱۳۷۵-۱۳۸۱، این نسبت در میان زنان سرپرستان خانوار کاهش یافته و در عین حال بسیار کمتر از نصف مقادیر مشابه برای مردان بوده است. پایین بودن این مقدار برای زنان سرپرست خانوار، به تنها ی نشانه فقر بسیار گستردگ در میان این دسته از خانوارهای کشور است؛ زیرا بیسواندی احتمال اشتغال مناسب و با درآمد کافی را از افراد سلب کند و احتمال اشتغال به مشاغل یدی و دست پایین و یا حتی بیکاری را افزایش می دهد. در عین حال، فرد بیسواند از امکان مطالبه جدی و دقیق حقوق خود نیز درمیماند و این مسئله ای است که پیش روی بخش عمده خانوارهای زن سرپرست قرار دارد.

جدول 8: توزیع نسبی خانوارهای کشور بر حسب جنس و میزان باسوسایی سرپرست خانواده

سن	مرد	سال
33/82	71/42	1375
32/22	73/51	1381

6-2) ترکیب خانوارهای کشور بر حسب وضعیت مسکن

تنها اطلاعات موجود درباره نحوه تصرف مسکن خانوارهای کشور نشان میدهد که در سال 66/2، 1375 درصد خانوارهای مرد سرپرست و 71/9 درصد خانوارهای زن سرپرست مسکن ملکی (اعیان و عرصه و اعیان) در اختیار داشته‌اند. از این روی شاید به نظر رسد که زنان سرپرست خانوار به رغم تمام دشواری‌های دیگر، حداقل سرپناهی در اختیار دارند. با این حال چنان‌چه کیفیت مسکن این گروه با وضعیت مشابه برای مردان مقایسه شود واقعیات به صورت دیگری جلوه خواهد کرد.

جدول 9: توزیع نسبی خانوارهای کشور بر حسب جنس سرپرست و نحوه تصرف و تعداد اتاق‌های واحد مسکونی در سال 1375

سن	مرد	وضعیت
71/9	66/2	مسکن ملکی
19/94	10/27	محل سکونت فقط یک اتاق

26/29	22/38	محل سکونت فقط دو اتاق
-------	-------	----------------------------------

نتایج سرشماری سال 1375 نشان داده است در حالی که تنها حدود 10 درصد خانوارهای مرد سرپرست تنها یک فضا (اتاق) برای زندگی در اختیار دارند، این رقم برای زنان حدود 20 درصد یا 2 برابر است. همچنین چنان که از جدول 9 (مرکز آمار ایران، 1381) برミ‌آید، خانوارهای صاحب فقط 2 اتاق، در میان مردان و زنان، به ترتیب 22/38 و 26/29 درصد بوده است. با عنایت به تعریف اتاق در سرشماری‌ها که شامل فضایی با حداقل 4 متر مربع مساحت و 2 متر ارتفاع و شامل اتاق‌های معمولی و آشپزخانه است، همچنان‌که مرحوم عظیمی نیز اذعان دارد میتوان زندگی در یک یا دو فضا برای یک خانوار را در اکثر قریب به اتفاق موارد دال بر فقر و محرومیت خانوار قلمداد کرد . (212: 1374).

همچنین اطلاعات دیگر در باب تسهیلات عمده مسکن نشان میدهد در حالی که در سال 80 و 81 به ترتیب 0/03 و 0/21 خانوارهای مرد سرپرست دارای تمامی تسهیلات مسکن بوده اند، این میزان در هر دو سال پیاپی برای زنان 0/00 بوده است. این به آن معناست که در میان خانوارهای زن سرپرست، هیچ

کدام تمامی تسهیلات ممکن مسکن، حداقل در اندازه‌های کشور، را در اختیار نداشته اند. همچنان که از جدول 10 (مرکز آمار ایران، 1380-1381) میتوان دریافت، در میان سایر تسهیلات، تنها توجه به دو مورد حمام و آشپزخانه به عنوان تسهیلات اصلی مسکن، نشان می‌دهد که تقریباً خانوارهای زن سرپرست 10 درصد کمتر از خانوارهای مرد سرپرست از چنین امکانی برخوردار بوده‌اند.

جدول 10: توزیع خانوارهای کشور بر حسب جنس سرپرست و تسهیلات عمده مسکن

زن		مرد		تسهیلات
81	80	81	80	
99/19	99/23	98/91	99/03	برق
46/42	44/26	45/97	45/28	گاز
68/73	65/85	77/19	75/08	لوله‌کشی
40/23	40/12	47/97	45/19	حمام (گرم)
54/40	48/24	61/35	52/29	کولر
76/38	76/72	86/72	86/64	تلفن
⋮	⋮	⋮	⋮	آشپزخانه
0.00	0/00	0/21	0/03	کلیه تسهیلات
0/81	0/77	0/01	0/95	هیچ‌یک از تسهیلات

7-2) ترکیب خانوارهای کشور بر حسب هزینه و درآمد

عواملی که تا اینجا درباره آنها بحث شده، در واقع مجموعه عوامل و شرایطی است که به کسب درآمد منجر می‌شوند. با این حال، به عنوان برآیند و حاصل تأثیر این عوامل در میزان درآمد و نحوه هزینه آن، می‌توان به صورتی مستقیم به میزان درآمدها و هزینه‌های خانوارها را توجه نشان داد. نتایج حاصله در جدول 11 (مرکز آمار ایران، 1381) نشانگر سهم بسیار زیاد خانوارهای زن سپرست در دهکهای پایین و نسبت بسیار ناچیز آنان در دهکهای پایین درآمدی و وضعیت متقابل برای خانوارهای مرد سپرست است. در حالی که در سال‌های 1380-1381 به ترتیب 30/17 و 22/31 درصد زنان سپرست خانوار در دهکه اول درآمدی قرار داشته‌اند، این نسبت برای مردان به ترتیب 10/77 و 6/62 درصد بوده است. در مقابل، در دهکه آخر یا بالاترین میزان‌های درآمدی، در برابر نسبت های 7/81 و 12/35 درصد برای مردان، تنها 2/60 و 3/75 درصد زنان قرار داشته‌اند. گذشته از تفاوت‌های کمی در نسبت خانوارهای این دو دهکه برای زنان و مردان، میزان کاهش در دهکه اول و افزایش در دهکه آخر نیز برای این دو دسته از سرپرستان خانوار متفاوت بوده است. در مقابل کاهش 38/53 درصدی

سهم خانوارهای بسیار فقیر مرد سرپرست، تنها 26/05 درصد از سهم مشابه زنان در فاصله سال های 1380 و 1381 کاسته شده است. از سوی دیگر، در برابر افزایش 77/05 درصدی سهم خانوار بسیار پردرآمد مرد سرپرست، تنها 44/23 درصد بر نسبت مشابه برای زنان افزوده شده است (جدول 11).

جدول 11: توزیع نسبی خانوارهای کشور بر حسب جنس سرپرست و دهکهای درآمدی

زن	مرد	دهک		
1381	1380	1381	1380	دهک
22/31	30/17	6/62	10/77	اول
8/47	8/42	4/13	5/28	دوم
11/24	10/72	7/92	10/45	سوم
12/87	15/31	12/20	10/46	چهارم
5/86	5/97	7/54	8/77	پنجم
9/28	7/50	11/28	11/59	ششم
8/14	7/35	11/88	10/83	هفتم
11/89	9/49	17/41	14/51	هشتم
6/19	2/45	8/69	6/71	نهم
3/75	2/60	12/35	7/18	دهم

این ارقام به آن معناست که افزون بر وضعیت نامتعادل و توزیع نامتوافق هر دو گروه خانوار این وضعیت روند نابرابری را نیز طی می کند و نهایتاً به نظر می رسد در آینده نیز شرایط نامتعادلتری را بر این دو دسته از خانوارها تحمیل کند.

نتیجه این نابرابری، عدم تعادل در هزینه های مصرفی خانوار است. نتایج حاصل در جدول 12 (مرکز آمار ایران، 1381) اگرچه در وهله اول نشانگر توزیع نسبتاً یکسان هزینه های خوراکی و غیرخوراکی

خانوارها بر حسب جنس سرپرست آن است، اما در عین حال حاکی از سطح نابرابر هزینه های این دو دسته از خانوارهاست که البته بیش از هر چیز دیگر، وابسته به میزان درآمدهای آن ها است. در دو سال یادشده (1380 و 1381) هزینه های خانوارهاي زن سرپرست به ترتیب حدود 57 و 62 درصد هزینه های مشابه خانوارهاي مرد سرپرست بوده است. با عنایت به ارقام جدول 11 (مرکز آمار ایران، 1380-1381) و توزیع خانوارها بر حسب دهک های درآمدی بدیهی است این موضوع را نمی توان صرفاً به مسائلی نظیر مدیریت مخارج نسبت داد. زیرا طبعاً در بخش عمده خانوارهاي مرد سرپرست نیز مدیریت هزینه ها بر عهده زنان است.

جدول 12: توزیع خانوارهاي کشور بر حسب جنس سرپرست و ترکیب هزینه ها

زن		مرد		هزینه
1381	1375	1381	1375	
20/516/732	5/686/090	33/276/454	10/025/448	کل هزینه
27/56	30/00	27/03	35/81	هزینه های
72/44	70/00	72/97	64/29	هزینه های
49/22	53/41	35/77	45/14	مسکن

نکته دیگر قابل توجه در این محور، سهم بسیار زیاد مسکن در هزینه خانوارها و البته به صورتی

نامتناسب در میان زنان و مردان سرپرست خانوار است (جدول 12). این ارقام در واقع تأییدی بر وضعیت نامتناسب مسکن و تأثیر آن بر فقر بیشتر خانوارهای زن سرپرست در مقایسه با خانوارهای مرد سرپرست است. البته مسکن تنها یک بخش از هزینه‌های غیرخوراکی خانوار مح سوب می‌شود و در سایر موارد نیز طبعاً به دلیل سهم بیشتر مسکن، هم نسبت و هم میزان هزینه‌های صرف شده زنان سرپرست خانوار بسیار کم تر از ارقام مشابه برای مردان است. این موضوع را می‌توان از نسبت خانوارهای صاحب لوازم عمده زندگی نیز دریافت. نتایج حاصل در جدول 13 (مرکز آمار ایران، 1380_1381) نشان می‌دهد در حالی که حدود 20 درصد خانوارهای مرد سرپرست اتومبیل در اختیار دارند، این نسبت برای زنان حدود 6 درصد است.

جدول 13: توزیع خانوارهای کشور بر حسب جنس سرپرست و لوازم عمده زندگی

زن		مرد		اقلام
1381	1380	1381	1380	
5/21	6/43	22/06	19/45	اتومبیل
55/37	53/45	73/94	72/38	چرخ خیاطی
60/91	52/37	78/89	72/09	تلویزیون رنگی
35/99	34/92	47/75	45/93	ماشین لباسشویی

4/07	3/68	8/78	6/23	کامپیوتر
3/09	1/84	10/38	8/58	تلفن همراه
...
0/00	0/00	0/06	0/02	همه لوازم
2/28	2/91	0/84	0/86	هیچیک از

در مورد ماشین لباسشویی این تفاوت حدود 20 درصد و در مورد کامپیوتر حدود 4 درصد است؛ خصوصاً در مورد چرخ خیاطی که می‌تواند به عنوان وسیله‌ای اولیه برای کسب درآمد زنان سرپرست خانوار محسوب شود، اختلاف میان خانوار مرد سرپرست و زن سرپرست حدود 20 درصد است. در نهایت در حالی که کم تر از یک درصد خانوارهای مرد سرپرست هیچ یک از لوازم فوق را در اختیار ندارند، این نسبت برای زنان بیش از 2 درصد است.

(3) نتیجه

هدف اصلی این مقاله بررسی برخی از ویژگی‌های خانوارهای فقر بر حسب جنس سرپرست خانوار و نشان دادن فقر مضاعف خانوارهای زن سرپرست بود. به رغم تمامی محدودیت‌ها و فقدان اطلاعات دقیق، آمارهای کشور حاکی از تمایز در سطح و میزان فقر خانوار بر حسب جنسیت سرپرست خانوار و نهایتاً پدیده زنانه شدن فقر است. این موضوع اگرچه به

خودی خود بسیار مهم و جدی مح سوب می شود، اما هنگامی می توان به عمق این فاجعه انسانی دست یافت که دریابیم در سال 1379 دو مرجع رسمی کشور برای رسیدگی به محرومان و فقرا - یعنی کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی - روی هم رفته 860735 خانوار را تحت پوشش خود داشته اند؛ که البته کمک های کمیته امداد با سهم 86/43 درصدی در این رقم شامل خانوارهای مرد سرپرست معلول، از کار افتاده و بیمار و ... نیز می شده است. البته این موضوع خود تأییدی بر این نکته است که مفهوم سرپرست خانوار خصوصاً در باب زنان برای نمایش فقر و فشارهای حاصله به هیچ وجه کافی نیست. با این حال، نکته جالب توجه آن است که در همین سال مجموعاً حدود 11/2 درصد خانوارهای تحت پوشش از طرح مددجویی این دو سازمان نیز خارج شده اند. اصلی ترین علل خروج این دسته افراد از پوشش سازمان های حمایتی مربوط، فوت (12/3) درصد کمیته امداد و 14/8 درصد سازمان بهزیستی) و ارجاع به سازمان های دیگر (4/3 درصد کمیته امداد و 55/6 درصد سازمان بهزیستی) است؛ در مقابل سهم اشتغال بسیار ناچیزی (0/4) درصد کمیته امداد و 14/8 درصد سازمان بهزیستی) که جای تأمل دارد (مرکز آمار ایران، 1381: 75-70).

این ارقام به خوبی و روشنی نشان می‌دهند که دو مرجع اصلی رسیدگی به مسائل فقرا، خصوصاً زنان فقیر، تنها به حمایت‌های سطحی و مقطعي از فقرا مبادرت می‌ورزند و در خارج کردن آنان از دایرة فقر موفقیت چندانی ندارند. این مسئله در کنار روند فزاینده فقر عموم مردم، خصوصاً خانوارهای زن سرپرست طی سال‌های مختلف نشانگر افزایش دامنه فقر، خصوصاً زنانه شدن آن در سال‌های آتی است.

- 1- پروین، سهیلا. (1372). *زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس – دانشکده علوم انسانی.
- 2- جعفری صمیمی، احمد . (1371). *اقتصاد بخش عمومی*. تهران: انتشارات سمت.
- 3- سازمان مدیریت و برنامه ریزی. (1379). *برنامه مبارزه با فقر و افزایش درآمد خانوارهای کمدرآمد*. معاونت امور اجتماعی.
- 4- شادی طلب، ژاله؛ کمالی، افسانه . (1379). *زنان، بسته ترین حلقه زنجیر فقر* . «فقر در ایران»، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- 5- عظیمی آرانی، حسین . (1374). *مدارسی توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران* . چاپ چهارم. تهران: نشر نی.
- 6- مرکز آمار ایران (1376-1382). *آمارگیری اشتغال و بیکاری خانوار*.
- 7- مرکز آمار ایران (1380-1381). *آمارگیری ویژگی‌های اقتصادی – اجتماعی خانوار*.
- 8- مرکز آمار ایران (1381). *زنان سرپرست خانوار در ایران (ویژگی‌های اجتماعی – اقتصادی)* .
- 9- مرکز آمار ایران (1376). *نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن 1375* کل کشور.

منابع
References